شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
۵شنبه
۱۲ تیر ۱۳۹۹
۱۰ ذی‌القعده ۱۴۴۱
شماره ۳۱۴۱
SHAHRARANEWS.IR

یادداشت

سرزمین شعر و قلم

علیرضا حیدری - عضو شورای سیاستگذاری شعر خراسان رضوی

سخن گفتن و مطلب نوشتن از تاریخ اهل قلم خراسان، کاری بسیار دشوار و سخت است. این دیار فرهنگ‌خیز که مهد مکتب‌های فکری و ادبی و علمی بوده است، همواره نویسندگان و صاحب‌قلمان زیادی را به خاطر دارد و این سرزمین هیچ‌گاه از داشتن نویسندگان خالی نبوده است. همواره رگه‌هایی از فلسفه، عرفان، فقه، ادبیات و دانش تجربی را می‌توان در خراسان بزرگ جست و تبار علمی آن را به‌خوبی اثبات کرد. ازجمله صاحب‌قلمان دیار خراسان، شاعران و اهل ادبیات‌اند که چه در تصنیف و تألیف و چه بعدها در روزنامه‌ها و نشریات، پیشتاز بوده‌اند و نام و آوازه آن‌ها زبانزد است. در قرنی که رو به پایان است، ظهور مطبوعات فرصت بیشتری برای این نویسندگان فراهم کرد تا به‌ویژه در خراسان و مشهد که یکی از کانون‌های مهم مطبوعات ایران بوده است و به‌ویژه در نشریه‌های تخصصی مراکز علمی و دانشگاهی و حوزوی با انبوه نوشته‌های علمی و ادبی و تخصصی روبه‌رو شویم و از این میان با انتشار مطبوعات روزانه و مجله‌های ادبی، نسلی از ادبی‌نویسان را شاهدیم که در پیوند با انجمن‌های ادبی، ارتباط خوب و دقیقی بین شعر و اهل قلم ظهور کرد. احمد نیکوهمت در کتاب «شاعران در سنگر مطبوعات» تعدادی از این شاعران صاحب‌قلم را معرفی می‌کند. نویسنده در این کتاب ۲۰۰ شاعر را به‌گونه‌ای اجمالی معرفی کرده است. این اشخاص که در مطبوعات سمتی را عهده‌دار بوده‌اند، در حیات ادبی و پیدایش نهضت‌های فرهنگی و انقلابی و تحول و تطور اندیشه‌ها و افکار، سهم داشته‌اند. در کتاب همچنین گزیده‌ای از سروده‌های این شاعران درج شده است. افزون‌بر آن به تاثیر قلم و اندیشه این شاعران در پاره‌ای از جریان‌های عمده سیاسی‌اجتماعی، اشارتی رفته است. در مجله‌های معتبر ادبی مانند «سخن»، «ارمغان»، «دانشکده» و بسیاری از مجله‌های دانشگاهی، صاحب‌قلمانی ظهور کردند و مقاله‌هایی نوشتند که امروز به‌دلیل اعتبار ادبی در شمار بهترین مطالب ادبی و محل رجوع دانشجویان و پژوهشگران است.

اگر بخواهیم به‌طور مشخص به انجمن‌های ادبی و اهل قلم اشاره کنیم، باید از سه زاویه آن را بررسی کنیم:

الف- پژوهش محوری

در بسیاری از انجمن‌های ادبی دیروز، گردانندگان انجمن علاوه‌بر شعرخوانی، اجرای موسیقی و نقد و بررسی آثار، به اعتبار جایگاه علمی هر انجمن، پژوهش‌هایی را در دست می‌گرفتند و از این انجمن‌ها آثار خوب پژوهشی و قلمی به یادگار مانده است. در برخی انجمن‌ها با لحاظ کردن خوانش آثار ادبی شاعرانی مانند فردوسی، سعدی، نظامی، جامی، حافظ و... تصحیح‌های درخوری از آثار این بزرگان تالیف می‌شد که امروزه در اختیار دوستداران شعر و ادبیات است؛ به‌طور نمونه از انجمن ادبی استاد قهرمان، تصحیح ارزشمند صائب متولد شد. گاه از دل این انجمن‌ها آثاری منتشر می‌شد مثل کتاب «شعر امروز خراسان»، نوشته میرزاده و دکتر شفیعی کدکنی. زنده‌یاد احمد کمال این اثر را محصول انجمن ادبی فرخ می‌داند. اگر بخواهیم به نمونه دیگری اشاره کنیم، باید از تذکره گلشن آزادی یاد کنیم که شاعران متاخر و متقدم را فهرست کرده است. تصحیح «تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین» زنده‌یاد ذبیحا...صاحبکار در مشهد از دیگر نمونه‌هاست.

این اتفاق البته در انجمن‌های ادبی دیگر شهرها نیز افتاده است. تصحیح خمسه نظامی در جلسه شعر حکیم نظامی در تهران و مصیبت‌نامه عطار در انجمن ناصح.

ب- نشریات ادبی

بیشتر انجمن‌های ادبی در گذشته صاحب نشریه‌ای خاص خود بودند و بازتاب‌دهنده فعالیت‌های انجمن بود. نشریه «دانشکده» به مدیریت محمدتقی بهار، نشریه «باغ صائب» به مدیریت بی‌ریای گیلانی، «ندای وطن» به مدیریت مجدالاسلام، «بامداد» به مدیریت محمدعلی بامداد و «آزادی» به مدیریت گلشن آزادی ازجمله نشریاتی بودند که متعلق به انجمن‌های ادبی در کشور بودند.

ج- نشریات و توجه به انجمن‌های ادبی

از دیگرسو فعالیت‌های انجمن‌های ادبی به‌قدری چشمگیر و عالمانه بود که بسیاری از مجله‌ها و نشریات فرهنگی و ادبی در بیرون از انجمن‌ها هم عنایت ویژه‌ای به آن‌ها داشتند. تاثیر این نشریات در گسترش شعر و ادبیات به‌گونه‌ای بود که حلقه اتصال و پلی میان جامعه و انجمن‌های ادبی بودند. درواقع نشریات، کارکرد انجمن‌ها را فراتر از یک رفتار محفلی تعریف می‌کرد و کارکردی اجتماعی به آن می‌داد و از طریق آن‌ها مردم شعر زمانه خود را درک می‌کردند و منتقدان ادبی و جامعه‌شناسان می‌توانستند ارزیابی بهتری از ادبیات عصر خود داشته باشند. ملک‌الشعرا بهار معتقد بود که با انتشار مجله «دانشکده»، مکتب تازه‌ای در نظم و نثر به‌وجود آورده‌است. البته نکته درخشان آن روزگار در حوزه ادبیات این بود که درمیان شرکت‌کنندگان در محافل شعری و ادبی و نویسندگان مقالات ادبی، نام‌هایی دیده می‌شود که پایه پژوهش‌های ادبی بودند؛ نام‌هایی مانند: ملک‌الشعرا، میرزاده عشقی، حبیب یغمایی، وحید دستگردی، ناتل خانلری، سعید نفیسی، محمود افشار، ذبیحا... صفا و باستانی پاریزی. البته صفحه‌های ادبی روزنامه‌ها هم محلی برای بازتاب قلم اهل قلم بود که در مشهد، روزنامه خراسان و دیگر روزنامه‌ها این فرصت را به صاحب‌قلمان انجمن‌های ادبی می‌دادند تا آثار خود را منتشر کنند.

همسر عزیزم؛ سرکار خانم عادله توسلی ثانی
دوازدهم تیرماه که سالروز تولد شماست را صمیمانه تبریک عرض نموده و از خداوند متعال که پیوند با شما را نصیبم نموده، سپاسگزارم و از درگاهش سلامتی، سعادت و تداوم خوشبختی‌مان در کنار شما و دو گل نازنین‌مان آقا بنیامین، آقا مهراد را خواستارم.
همسر عاشقت: علی رضائی

از مدینه تا مرو

روایت برخی داستان‌ها و روایت‌های معتبر که در مسیر حرکت امام‌رضا(ع) از مدینه به مرو نقل می‌شود

گزارش

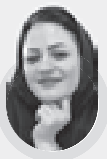

هما سعادتمند
h.saadatmand@shahraranews.ir

وقتی حرف از کرامات امام رئوف به میان می‌آید، مشهورترین روایتی که به خاطر می‌آوریم، «ضامن آهو» شدن حضرت رضا(ع) است اما مسیر شش‌ماهه حرکت کاروان هشتمین امام(ع) که بین مدینه تا مرو ادامه داشته‌است، با داستان‌ها، افسانه‌ها و روایت‌های فراوانی آمیخته است که بسیاری از آنان به‌دلیل نقل‌قول‌های شفاهی با تحریف‌هایی روبه‌رو شده‌اند. البته در این میان داستان‌هایی هم هستند که سندیت دارند و از نظر علما و محدثان، معتبر شناخته می‌شوند. گزارش پیش‌رو نقبی است بر تعدادی از معتبرترین این داستان‌ها و معرفی برخی از قدمگاه‌های حضرت رضا(ع) در ایران.

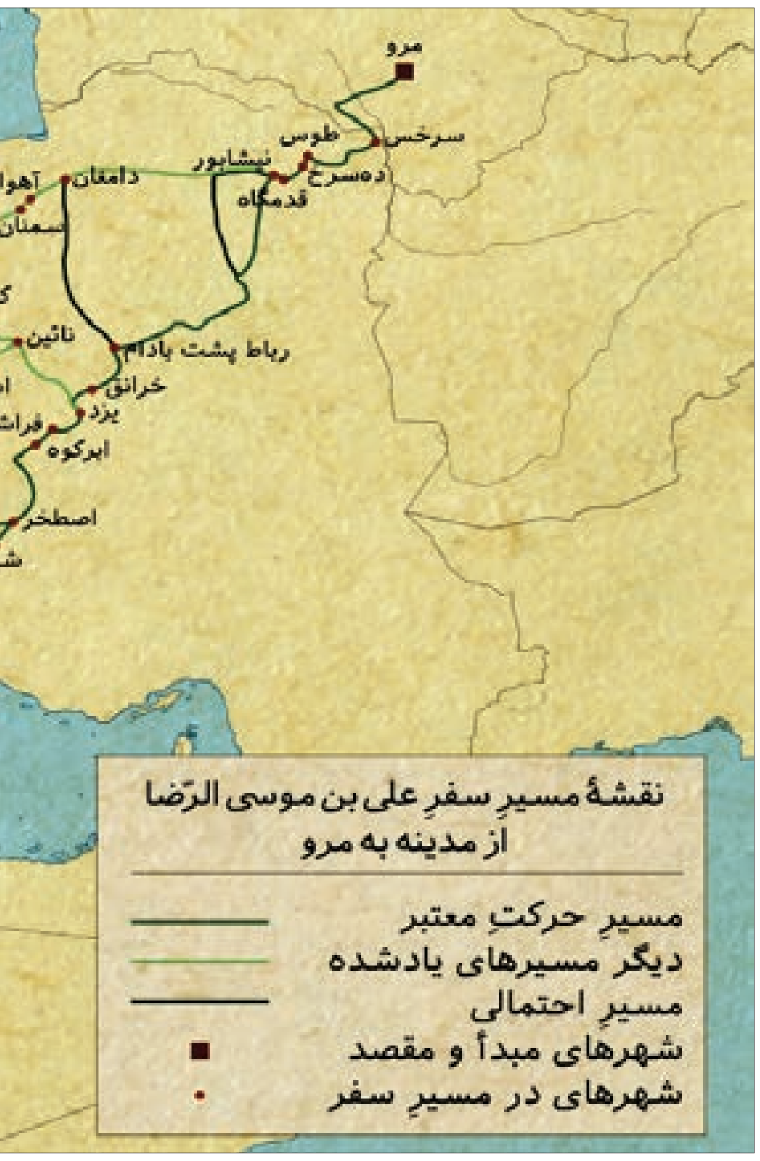

از شلمچه تا مشهد

مامون همراهیِ کاروان امام(ع) را به رجاءبن‌ابی‌ضحاک سپرد و به او دستور داد حضرت را از مسیرهای کم‌جمعیت و دشوار حرکت دهد تا به این شیوه مانع تماس و سخن گفتن ایشان با مردم شود؛ برای همین است که نیمِ بیشتر مسیر کاروان از کویر و کوره‌راه‌ها می‌گذرد، با این همه وقتی کاروان حضرت(ع) ۲۵ذی‌القعده سال ۲۰۰هجری قمری با گذر از معدن نقره و بصره ازطریق شلمچه وارد کشور شد، برخلاف پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مامون، با استقبال بسیار زیاد شیعیان مواجه شد. این شوق از دیاری به دیار دیگر امتداد می‌یابد و سبب می‌شود که دیدار امام(ع) و مردم هربار به قصه و حکایتی شنیدنی تبدیل شود، آن‌چنان که برای قرن‌ها آن را سینه‌به‌سینه حکایت کنند و آن را چون گنجی نگاه دارند.

نرگس‌زار ارجان و عطری که یادگار رضاست

یکی از این داستان‌های معروف در «ارجان بهبهان» رخ می‌دهد؛ جایی در دیار رامهرمز که دشت‌های گل نرگسش تا هنوز به سراسر جهان عطر می‌پراکند. روایت است مردم این دیار که پیشه‌شان کشت و پرورش گل بوده است، برای استقبال از امام‌رضا(ع) دسته‌گلی از نرگس می‌بندند و به ایشان تقدیم می‌کنند. امام(ع) پس از بوییدن گل، در حق مردم و برای پربرکت بودن محصول این اقلیم دعا می‌کنند. گل نرگسِ این خطه تا امروز یکی از دشت‌های پرگل نرگس جهان است و هرساله به سراسر دنیا صادر می‌شود، آن‌چنان که «اعتمادالسلطنه» در کتاب خاطراتش، گل نرگس را ارمغان این دیار می‌داند که به شیراز راه می‌یابد. او در مطلع‌الشمس می‌نویسد: «حاکم شیراز با دیدن نرگس‌زارهای بهبهان، از این گل خوشش آمد و دستور داد آن را به شیراز بیاورند و در آنجا کشت کنند.» رشد گیاهان دارویی در این نقطه، یکی دیگر از برکاتی است که محلی‌ها آن را یادگار عبور امام(ع) از اینجا می‌دانند.

چشمه جوشان سده

ثامن‌الحجج(ع) پس از رامهرمز وارد تنگه تکاب شده، بعد از عبور از دهدشت و یاسوج، وارد سده فارس می‌شوند. سده یکی از قدمگاه‌های معروف امام‌هشتم(ع) در ایران است. در پشت این قدمگاه که امروزه مسجد است، چشمه‌ای جوشان وجود دارد که طبق مکتوبات تاریخی به دست امام(ع) حفر شده است. روایت است که امام(ع) خود این چشمه را جاری می‌کنند و وضو می‌گیرند. این چشمه تا هنوز هم جاری است و چند درخت کهنسال چندصدساله در اطراف آن چتر باز کرده‌اند.

حمام و گلخن ابرکوه

کاروان امام(ع) پس از سده به ابرکوه می‌رسد. حکایت‌های محلی ابرکوه، داستان پیرمردی را نقل می‌کنند که سال‌ها گلخن‌دار خزینه این منطقه بوده است. وقتی کاروان امام(ع) از این منطقه عبور می‌کرده، پیرمرد بر سر راه او قرار می‌گیرد و از کهولت سنش می‌نالد و می‌گوید که دیگر توانایی آن را ندارد تا هر روز هیمه در آتش بیندازد و حمام را گرم کند. امام‌رضا(ع) به پیرمرد امر می‌کند که آتش‌خانه حمام را مسدود کند و دیگر هیزمی در آن نریزد. روایت است که این حمام از آن زمان تا روزی که پیرمرد نفس داشته، همواره گرم بوده است. این حمام در سده‌های بعدی، تخریب می‌شود و این روزها دیگر نشانی از آن باقی نیست.

روایت حدیث سلسلةالذهب

اما خراسان سرزمین قصه‌هایی است که از طبس تا مشهد در هر قدم تکرار می‌شوند و هنوز دهان گویندگان برای روایتشان گرم است. خاستگاه بیشتر این حکایت‌ها، نیشابور است. پژوهشگران معروف‌ترین این روایت‌ها را «حدیث سلسلةالذهب» می‌دانند. البته درمورد مکان حضور امام‌رضا(ع) در نیشابور و قرائت حدیث سلسلةالذهب، منابع از چند مکان نام می‌برند. برخی از این مکان‌ها اکنون به‌درستی مشخص است و برخی دیگر به‌دلیل تخریب نیشابور قدیم در اثر زلزله‌ها و تهاجم مغولان، یا از بین رفته یا تغییر نام داده است.

روایت است که کاروان وقتی به نیشابور می‌رسد، با انبوه علما و دانشمندانی روبه‌رو می‌شود که روزها در انتظار رسیدن امام‌هشتم(ع) بودند. ضامن آهو حدیث سلسلةالذهب را درمیان این جمع قرائت می‌کند. جمعیت به امام(ع) چنین می‌گویند: «ای پسر پیامبر خدا! از پیش ما می‌روی و برایمان حدیثی نمی‌گویی تا از محضرتان فیضی ببریم؟ حضرت که در کجاوه نشسته بود، سرش را بیرون آورده، می‌فرماید: از پدرم، موسی‌بن‌جعفر شنیدم که می‌فرماید، از پدرم، جعفربن‌محمد شنیدم که می‌فرماید، از پدرم، محمدبن‌علی شنیدم که می‌فرماید، از

مامون همراهی کاروان امام(ع) را به رجاءبن‌ابی‌ضحاک سپرد و به او دستور داد حضرت را از مسیرهای کم‌جمعیت و دشوار حرکت دهد تا به این شیوه مانع تماس و سخن گفتن ایشان با مردم شود؛ برای همین است که نیمِ بیشتر مسیر کاروان از کویر و کوره‌راه‌ها می‌گذرد

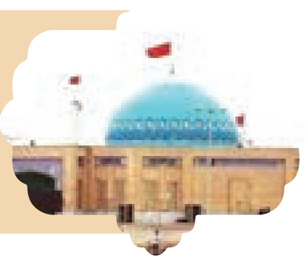

قدمگاه شلمچه

قدمگاه‌ها از قرن پنجم هجری به بعد ایجاد شده‌اند. نخستین منزلگاه و قدمگاه حضرت‌رضا(ع) در ایران در شلمچه قرار دارد. همین موضوع سبب شده است این نقطه مرزی از قدیم نزد مردم خوزستان به‌ویژه عرب‌زبان‌ها از اعتبار خاصی برخوردار باشد.

قدمگاه آبادان

این قدمگاه در کنار بهمن‌شیر و میان شهرهای آبادان، خرمشهر و جزیره مینو قرار داشته است. قبل از جنگ تحمیلی، ساختمانی متعلق به اوایل قرن ۶(ه.ق) داشت که در دوران دفاع مقدس، سربازان عراقی تخریبش کردند.

قدمگاه ابرکوه یزد

مسجد «بیرون» در ابرکوه، قدمگاه بعدی علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) است. به نقل از اسلاف، اقامت کاروان در این منطقه کمی طولانی می‌شود؛ به همین دلیل این قدمگاه را منزلگاه هم می‌نامند.

قدمگاه دهشیر یزد

یکی دیگر از قدمگاه‌های امام‌رضا(ع) در دهشیر قرار دارد. نویسنده جامع مفیدی می‌نویسد: «مبارزالدین محمدمظفر پس از تسخیر فارس در بازگشت، قناتی جاری ساخت و دهشیر را بنا کرد و خانقاه عالی بساخت و بر آینده و رونده وقف کرد.»

قدمگاه مسجد فُرطِ یزد

حمام و مسجد فرط و ویرانه‌های مسجد خضر(ع) در جنب بقعه شیخ‌احمد فهادان قرار دارند که مشهور است امام‌رضا(ع) در آن مکان نماز خوانده‌اند. یکی از حجره‌های این مسجد، مشهور به «صومعه‌رضا(ع)» است که ساکنان، آن را قدمگاه می‌دانسته‌اند.

قدمگاه ریگ رضا در بافق

طبق تاریخ شفاهی کاروان امام(ع) در منازلی به نام «ریگ رضا» و «مشهدک» در بافق توقف کرده است. گویا در مشهدک می‌خواسته‌اند شتری را قربانی کنند که امام(ع) مانع می‌شوند. اهالی بعدها متوجه می‌شوند آن شتر آبستن بوده است.

مشاهیر

ادیب ملک معانی

پدر مرحوم عبدالجواد بجنگردی (ادیب نیشابوری اول) که مردم به او لقب ادیب ملک معانی داده بودند، هرگز گمان نمی‌برد پسری که به‌دلیل ابتلا به بیماری آبله، بینایی یک چشمش را از دست داده است، با یک چشم کم‌سو بتواند مکتب برود و خواندن و نوشتن بیاموزد؛ برای همین، بهتر دید که فرزندش را چون خودش کشاورزی انس گرفته با خیش و بیل بار بیاورد اما تقدیر برای عبدالجواد جز آنچه پدر برایش متصور بود، رقم زد. او خیش به دست نگرفت، بلکه توانست به مدد حافظه بسیار قوی و همچنین تلاش و جدیتش در آموختن، قلم به دست بگیرد و آبادگر زمین علم و ادب باشد، تاآنجاکه با تبحر در علومی چون فقه و کلام، فلسفه، تاریخ، نجوم، ادبیات، ریاضیات و علوم عربی و فارسی از نوادر روزگار خود بشود. این نام‌آوری در علم و ادب سبب شد لقب «ادیب نیشابوری»(ادیب اول) را از آن خود کند. علاوه‌بر این، او شاعری توانا بود که در سبک خراسانی، شعر می‌سرود و دیوانی نیز از اشعارش به‌جای مانده است. او هرگز استاد و معلمی نداشت و آنچه فراگرفت، به‌صورت خودخوان و خودآموخته بود. حافظه قوی و هوش سرشار، تنها ابزارهای او در تحصیل علم بود. دانشمندان و استادان دانشگاهی همچون ادیب‌ثانی، ملک‌الشعرا بهار، بدیع‌الزمان فروزان‌فر، محمدتقی مدرس‌رضوی، محمدپروین گنابادی، محمود فرخ و بسیاری از ادیبان دوره معاصر در فهرست شاگردان بی‌واسطه او قرار دارند. ادیب نیشابوری در ۱۲ذی‌القعده ۱۳۴۴قمری دار فانی را وداع گفت.

خبر سوخته

وبا در خراسان

خراسان. از قراری که ضمن تحریرات در روزنامه خراسان نوشته، ناخوشی وبا در آنجا کمال شدت را داشته و عده متوفی به روزی هفتصد نفر رسیده است ولکن این اوقات از تفضلات خداوندی تخفیف کلی یافته، عدد اموات متنزلا به شصت نفر و پنجاه نفر رسیده است و امید کلی هست که ان‌شاءا...تعالی این بلیه، از آن حدود هم به‌زودی رفع بشود. دیگر چون مابین عمده‌الامرا العظام ظهیرالدوله حاکم هرات و عمده‌الخوانین العظام کریم دادخان بیگلری هزاره و میراحمدخان جمشیدی سال‌هاست که معاندت و برودتی بوده، این اوقات ظهیرالدوله و میراحمدخان جمعیت بر سر ایل هزاره فرستاده، بنای مجادله و منازعه گذاشته‌اند. از قراری که نوشته بودند بیگلربیگی هزاره هم جمعیت فراهم آورده درمقابل آن‌ها درصدد طرد و منع بوده، در وقت سواری اسب انداخته خودش با اسب به درختی خورده و به زمین افتاده‌اند و از این جهت صدمه زیادی به او وارد آمده است، حتی نوشته بودند که آدم‌هایش او را دوباره سوار اسب کرده بودند، نتوانسته بود قرار بگیرد. بعد از وقوع این کیفیت ایل جمشیدی نیز فرصت غنیمت دانسته، اهل هزاره را برهم زده‌اند و از خود بیگلربیگی هزاره خبر صحیحی نرسیده بود که از آن صدمه وارده مرده یا جان به در برده باشد.

روزنامه وقایع اتفاقیه / شماره ۱۳۲/ ۵ذیقعده ۱۲۶۹(ه.ق)